



۲۰۱۶/۰۲/۱۰



م. اسحاق نگارگر

نمی شود جناب رئیس جمهور از رشوت خواران نیز خمس یا عشر مالیه بگیرد!!

رشوت هم نوعی عاید است و ضرور نیست که عاید مشروع باشد!

حالا که دیگر از الف تا یای ملت فهمیده اند که رشوه خواران مملکت از اتکه و پتکه و جذباتی شدن رئیس جمهور خم به ابرو نمی آورند و با نوعی پوزخند به همدیگر خود می گویند که بگذار او اتکه و پتکه خود را بکند و ما هم به مراجعان خود می گوئیم که راه گندم شان ناگزیر از همین آسیا می گذرد که تنها نتیجه چینگ زدن های رئیس جمهور اندازه رشوت را باز هم بالاتر خواهد بُرد. اکنون اگر به طور مثال مقرر شدن یک معلم چُتر فقط یک صد دالر رشوه به کار دارد اگر سر و صدای معلمی که تقاضای کار دارد پای تفتیش و خارنوالی را به میدان بکشاند و مسؤولان مقرر کردن آن معلم چُتر مجبور شوند که زبان اعتراض بازخواستگر و خارنوال را با یک مقدار رشوه ببندند آن مقدار ناگزیر بر مقدار رشوتی که معلم باید بدهد زیاده می شود و قیمت رسیدن به وصال معلمی ناگزیر از صد دالر به یک صد و پنجاه تا دو صد دالر بالا تر می رود.



در حال حاضر مقامات خود می گویند که دولت در ادارات مختلف کم از کم یک صد و پنجاه هزار کمبود دارد. حالا مسأله از این قرار است که اگر همه مقرری ها را به خاطر پیدا شدن رشوه دهندگان بیشتر معطل بگذارند کار بدون شک به رسوایی می کشد؛ بنا بر این حالا که اتکه و پتکه جناب رئیس جمهور نتیجه ای نداده است و اینک جناب رئیس اجرائیه نیز کم کم وارد این کارزار رقابتی می شود (چنانکه باز خبرها گفته اند که در هلمند دو نفر یکی از جانب رئیس جمهور و یکی از جانب رئیس اجرائیه شاروال مقرر شده اند.) مصلحت این است که جناب رئیس جمهور با رشوه ستانان دور و پیش خود وارد نوعی مصالحه یا به قول امروزی ها نوعی کمپرومایز شوند که به اصطلاح نه سیخ بسوزد و نه کباب. بدین معنی که جناب رئیس جمهور بر مشاغل گوناگون به حساب اهمیت شان خمس یا عشر تکس وضع کند و با رشوه بگیران قرار بگذارند که در مشاغل کم اهمیت تر از هر پنج نفر یک نفر را به خاطر اجرای بهتر کارها به حساب صلاحیت و کفایت بدون رشوت مقرر کنند تا در اداره ها صاحبان کفایت نیز راه پیدا کنند زیرا که رشوت دهنده در پایان کار نه تنها خود را بلکه رشوه گیرنده را نیز رسوا می کند.

آری مصلحت همین است که نه سیخ بسوزد و نه کیاب. فایده دیگر آن این است که وقتی اهل کار در اداره ها راه پیدا کنند کارها در مسیر درست به راه می افتد و وکیلان نیز نمی توانند وزیران را به استیضاح تهدید کنند و وزیران برای حفظ موقف خود مجبور نمی شوند که بار دیگر در میان وکیلان سنگدل که دل های شان را هیچ معجون دیگر به استثنای نوت های صد دالری نرم نمی کند پول توزیع نمایند. و اما رشوه ستانان نیز باید از نصیحت آن روباه به فرزندش پند بگیرند که می گویند چوچه روباهی انگور باغ ملا را شیرین تر و خوشاب تر از باغ های دیگر یافته و رفته بود و شکم خود را از انگور باغ ملا سیر کرده بود. مادرش به روباه جوان نصیحت می کرد که جان مادر حرف مادرت را به گوش هوش بشنو و در آینده هرگز از باغ ملا انگور مخور.

روباه جوان گفت: "مادر جان انگور باغ ملا بسیار شیرین و خوشاب است!"

روباه مادر گفت: "عزیزم این را من هم می دانم ولی من این را نیز می دانم که اگر از باغ ملا انگور بخوری در خطبه نماز جمعه فتوی میدهد که خوردن گوشت روباه حلال است و آن وقت است که مردم پلته و چراغ گرفته برای شکار روباه بیرون می شوند که گوشتش حلال است و خورده می شود و پوستش نیز پوستین های گرم زمستانی ساخته می شود حالا شما هم به مأموران رشوت خوار بگویید که رعایت حال ملا صاحبان را بکنند و آنان را در همان خمس معافی حساب نمایند تا فتوی ندهند که مأموران رشوت خوار واجب القتل و مباح الدم استند و هر کس که آنان را بکشد در واقع برای نظام اسلامی خدمت کرده است.

آن وقت دیدی که صدها مأمور زن و مرد را به حکم زنا و روابط نامشروع با نوت های صد دالری سنگسار کردند. آخر جلو ضرر را در هر جا که بگیری سود است و گر نه این امری است که امنیت وزراء و وکلاء و بالاتر از آن را نیز به خطر می اندازد.

همان بهتر که علاج واقعه را قبل از وقوع بنمایند که استخاره در کار خیر هیچ لازم نیست. فاعتبروا یا اولی الابصار.

برمنگهم - ۹ فبروری ۲۰۱۶م

نگارگر